

# دلیل کاهش قدرت خرید کارگران چیست؟

[ad\_1]

به گزارش تراز، یکی از موضوعاتی که طی چند سال اخیر کارگران با آن دست و پنجه نرم کرده اند، کاهش قدرت خرید جامعه کارگری است. برخی از مقامات کارگری خبر از کاهش 75 درصدی قدرت خرید جامعه کارگری می دهند.

تامین معیشت و چگونگی حفظ و افزایش قدرت خرید خانوار یکی از دغدغه های جامعه کارگری بوده است که متأسفانه به دلیل رشد نامناسب دستمزدها در دهه های اخیر، امروز کارگران می گویند قدرت خریدشان 72 درصد کاهش یافته است.

کارگران معتقدند حقوق و مزایای دریافتی کفاف هزینه های زندگی را نمی دهد و از اینرو آنها مجبور می شوند برخی نیازهای خود را حذف کنند یا به صورت ناقص برنامه های زندگی خود را اجرا کنند؛ همچنین آنها می گویند به دلیل کسری شدید درآمدی ناچاراً برخی نیازهای زندگی خود مانند تفریحات و سفرها را حذف یا به حداقل ممکن رسانده اند و تنها به فکر تأمین نیازهای اصلی زندگی مانند خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و مواردی از این دست هستند.

به تازگی برخی اقتصاددانان و کارشناسان اقتصادی کشور نیاز ماهیانه یک خانوار 4 نفره را 2 میلیون و 800 هزار تومان اعلام کرده اند و معتقدند هرگونه دریافتی کمتر از این میزان به معنی برخوردن با مسائل و مشکلات تأمین معیشت خواهد بود.

مطالعات و بررسی های میدانی نمایندگان کارگران نیز نشان می دهد که مبالغ مورد نیاز خانوار در خوشبینانه ترین حالت و با حذف برخی موارد غیرضروری در ماه نمی تواند کمتر از 2 میلیون و 800 هزار تومان تا 3 میلیون تومان باشد. در عین حال، برخی گروه های کارگری ارقامی را ارائه کرده اند که این نیاز ماهیانه را بیشتر از 3 میلیون و 600 هزار تومان نشان می دهد. اما در حال حاضر کارگران تنها 900 هزار تومان حقوق دریافت می کنند. طبق آخرین آمار بانک مرکزی متوسط هزینه ناخالص خانوار در سال 95 حدود 11.4 درصد افزایش داشته که نسبت به افزایش 11.3 درصدی متوسط درآمد ناخالص بیشتر

است.

براساس نتایج این بررسی متوسط هزینه ناخالص سالانه یک خانوار حدود 39 میلیون و 300 هزار و 600 تومان (ماهانه حدود 3 میلیون و 275 هزار تومان) بوده است. هزینه مزبور که شامل ارزش اجاری خانه شخصی نیز می‌باشد، نسبت به سال 1394 معادل 11,4 درصد افزایش داشته است.

از کل هزینه‌های ناخالص خانوار به ترتیب، 35.5 درصد به «مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها»، 22.9 درصد به «خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها»، 10.6 درصد به «حمل و نقل»، 8.4 درصد به «کالاها و خدمات متفرقه»، 5.9 درصد به «بهداشت و درمان»، 4.3 درصد به «پوشاک و کفش»، 4.0 درصد به «لوازم، اثاث و خدمات مورد استفاده در خانه»، 2.1 درصد به هر یک از دو گروه «ارتباطات» و «رستوران و هتل»، 1.9 درصد به هر یک از دو گروه «تفریح و امور فرهنگی» و «تحصیل» و 0.3 درصد به «دخانیات» اختصاص داشته است.

در یک جامعه آماری 50 نفره از کارگران صنعت کفش و کیف و پوشاک در پایتخت، 13 نفر برابر با 26 درصد این جامعه آماری از گلایه از عدم امنیت شغلی و بیکاری هر روز واحدهای تولیدی در راستای رکود داشتند.

29 نفر برابر با 58 درصد از این جامعه آماری، اعلام کردند که از سر بیکاری مجبور هستند تا با کار کردن در مشاغل با قراردادهای موقت دست و پنجه نرم کنند و کوتاه بیایند. آنها اعتقاد داشتند که در حال حاضر در تمام مشاغل جذب نیرو از طریق پارتی بازی است. متأسفانه این روزها شاهد هستیم که تعداد زیادی از جوانان با داشتن توانایی و مهارت بیکار هستند و بخش زیادی از جوانان بدون داشتن مهارت به خاطر پارتی بازی مشغول کار هستند. حتی اگر کار به خوبی انجام نشود، اما کارفرما به دلیل رابطه کاری ترجیح می‌دهد که با اقوام و دوستان و آشنایان خود همکاری داشته باشد.

این کارگران با گلایه از اینکه دولت باید قانونی را لحاظ کند تا کارفرمایان از انعقاد قراردادهای موقت و کوتاه مدت هراس داشته باشند. متأسفانه دولت توجه به بحث قراردادهای موقت و سفید امضا را در برگزاری همایش‌ها خلاصه کرده است. هزاران بار همایش برگزار شود اما بخشی از مشکلات مردم حل نمی‌شود.

یکی از کارگران می‌گوید: فارغ التحصیل رشته حسابداری هستم. هر کجا مراجعه کردم با این جمله روبرو شدم «رزومه ارائه دهید و در

صورت نیاز با شما تماس می گیریم». به واحدهای زیادی رزومه ارائه کردم اما خبری از تماس نیست. کارگران دیگر به فکر تفریح و خوب زندگی کردن نیستند، همین اندازه به فکر هستند که بتوانند زنده بمانند و زندگی کنند. زندگی کردن به معنای آرامش را لمس نمی کنیم. چرا که هر روز با دغدغه قسط و قرض و ترس از بیکاری روزها و شب ها را سپری می کنیم. در کنار تمام این بیکارها هر کجا هم برای شغل می ریم حقوق بسیار اندک است و همین موضوع باعث کاهش قدرت خرید شده است. برای تأمین هزینه های زندگی به خاطر تقویت قدرت خرید مجبور هستیم چند شغله کار کنیم.

8 نفر از این جامعه آماری 50 نفره که برابر با 16 درصد جامعه هدف این گزارش بودند، عنوان کردند، قدرت خرید جامعه کارگری به صورت چشمگیر کاهش یافته است. 900 تومان حقوق می گیریم و در ماه حدود 3 میلیون هزینه داریم. اجاره بها خانه هر روز گران تر می شود. میزان گرانی در اجاره بها تا حدی است که مجبور هستیم حدود یک سوم حقوق خود را برای اجاره بها صرف کنیم.

ad\_2]]

Source link